

مقایسه ارتباط ارزشی سود تفکیک شده بر اساس ساختار جدید
صورت‌های مالی ارائه شده توسط IASB و FASB، در شرکت های پذیرفته
شده در بورس اوراق بهادار تهران

ایمان مؤمنی

دانشجوی دکتری حسابداری، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان
emanm121@gmail.com

دکتر داریوش فروغی^۱

دانشیار گروه حسابداری، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان
foroghi@ase.ui.ac.ir
نشانی: اصفهان، میدان آزادی، خیابان هزار جریب، دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم
اداری و اقتصاد، گروه حسابداری

دکتر هادی امیری

استادیار گروه اقتصاد، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان
h.amiri@ase.ui.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۷/۰۱ ، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۱۱

چکیده:

هدف این پژوهش بررسی اثر تفکیک سودآوری شرکت بر ارتباط ارزشی عناصر سود در صورت‌های مالی می باشد. این پژوهش یک پژوهش توصیفی و تحلیلی می باشد و در حوزه پژوهش های همبستگی-تحلیل رگرسیون قرار میگیرد. در این پژوهش، پیش نویس ارائه شده توسط IASB و FASB برای تغییر ساختار صورت‌های مالی، مبنای تفکیک سودآوری، به دو مؤلفه سودآوری ناشی از فعالیت های

نویسنده مسئول

عملیاتی و سودآوری ناشی از فعالیت های تأمین مالی قرار گرفته است. به همین منظور ابتدا صورت سود و زیان جامع طبق پیش نویس جدید، معرفی و اجزاء آن با صورت سود و زیان سنتی مقایسه گردیده است.

برای انجام این پژوهش اطلاعات ۱۸۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۳ جمع آوری شده است. برای آزمون فرضیه، از تحلیل رگرسیون چند متغیره مبتنی بر داده های ترکیبی استفاده شده است.

یافته ها نشان می دهد که سود تفکیک شده به بخش های عملیاتی و تأمین مالی طبق الگوی ارائه شده توسط IASB و FASB، به طور معناداری ارتباط ارزشی بیشتری نسبت به سود تفکیک نشده، با بازده سهام دارد.

واژه های کلیدی: سود حسابداری تفکیک شده، فعالیت های عملیاتی، فعالیت های تأمین مالی، صورت های مالی تجدید ساختار شده.

مقدمه

در سال ۲۰۰۲ میلادی هیأت تدوین استانداردهای حسابداری مالی (FASB)^۱ و هیأت تدوین استانداردهای حسابداری بین المللی (IASB)^۲ در راستای همگرایی استانداردهای پذیرفته شده آمریکا و استانداردهای بین المللی به توافق رسیدند. یکی از پروژه های با اهمیت فرآیند همگراسازی استانداردها بر ارائه صورتهای مالی تمرکز داشته و نتیجه آن پیش نویس ارائه شده توسط IASB و FASB در ماه جولای ۲۰۱۰ میلادی^۳ در رابطه با این موضوع است [۱۴]. این پیش نویس نتیجه رایزنی های IASB و FASB در مورد ارائه صورتهای مالی بوده و اهداف گزارشگری مالی را از دیدگاه دو هیأت تجمیع می کند.

¹ Financial Accounting Standard Board

² International Accounting Standard Board

³ FASB Exposure Draft on Financial Statement Presentation

این پیش نویس به مدت بیش از ۲ سال تا ماه دسامبر ۲۰۱۲ برای ارائه پیشنهادات و نظرات صاحب نظران حرفه در وب سایت IASB و FASB قرار داده شد و از آن تاریخ به بعد برای ارزیابی مجدد و اعمال پیشنهادات ارائه شده تحت بررسی است. این پیش نویس در راستای ارتقاء مربوط بودن صورتهای مالی برای استفاده کنندگان ارائه شده است و منجر به تغییر طبقه بندی اقلام صورتهای مالی به شکلی مقایسه پذیر تر و با جزئیات بیشتر می گردد.

این تغییرات شامل موارد زیر است:

اول، ترازنامه و صورت سود و زیان نیز مانند آنچه در صورت جریان های وجوه نقد اعمال می شود شامل بخشهای عملیاتی، سرمایه گذاری و تأمین مالی خواهد بود. دوم، اطلاعات کلیه صورتهای مالی به قسمت های با اهمیتی از اطلاعات مفید تفکیک^۱ می شوند.

سوم، مانده های ابتدا و انتهای دوره برخی از حساب های با اهمیت در ترازنامه، با یکدیگر مغایرت گیری می شوند، و چهارم اینکه افشای جامعی در مورد اندازه گیری های مجدد اقلام ترازنامه و دیگر صورتهای مالی صورت می گیرد [۱۴].

دو هیأت مذکور اعتقاد دارند که پیش نویس ارائه شده در سال ۲۰۱۰ به طور قابل توجهی قابلیت مقایسه، قابل فهم بودن و مفید بودن صورتهای مالی واحد تجاری را افزایش می دهد و استفاده کنندگان از صورتهای مالی قادر خواهند بود که عملکرد شرکت را به شکل مستقل از ساختار سرمایه شرکت تجزیه و تحلیل نمایند؛ زیرا هر واحد گزارشگر آثار تصمیم های تأمین مالی خود را از دیگر فعالیت ها تفکیک می نماید.

همچنین استفاده کنندگان از صورتهای مالی زمان کمتری را برای فهم رابطه بین ارقام مندرج در صورتهای مالی مختلف در پایان هر دوره گزارشگری صرف خواهند کرد، زیرا هر بخش در صورتهای مالی، ارتباط مستقیمی با اعداد و ارقام بخش متناظر خود در دیگر صورتهای مالی شرکت خواهد داشت. استفاده کنندگان از صورتهای مالی تشخیص خواهند داد که چه عناصر به خصوصی باعث افزایش و کاهش در دارایی ها و بدهی های شرکت شده اند.

¹ Disaggregate

این قابلیت، پیش‌بینی جریان های نقدی آینده را به همراه تضمین و قضاوت‌های بعد از تاریخ ترازنامه، تسهیل می‌نماید. در این راستا هدف از این پژوهش این است که محتوای اطلاعاتی عناصر مرتبط با سود آوری و بازده شرکت را در صورت های مالی به شیوه پیش نویس، با روش سنتی مقایسه کند.

مبانی نظری

اصول بنیادی در نظر گرفته شده از طرف FASB و IASB در این پروژه در راستای افزایش قابلیت مقایسه صورتهای مالی، شامل دو اصل می‌باشد. الف) نشان دادن تصویر پیوسته‌ای^۱ از فعالیت‌های واحد تجاری (اصل پیوستگی) و ب) تفکیک اطلاعات به شکلی که بتوان از آن برای پیش‌بینی جریان های نقدی آینده واحد تجاری استفاده کرد (اصل تفکیک).

اصل پیوستگی^۲: این اصل در واقع از طریق ساختار سازماندهی شده در بین صورتهای مالی حاصل می‌شود. در این راستا صورت جریان های وجوه نقد، صورتحساب وضعیت مالی (ترازنامه) و صورتحساب سود و زیان جامع شامل بخشهای (۱) تجاری^۳ (تأمین مالی (۳) مالیات بر درآمد (۴) فعالیت‌های متوقف شده (۵) مبادلات چند قسمتی^۴ می‌باشد. بخش تأمین مالی در ترازنامه به دو قسمت بدهی و سرمایه تفکیک می‌شود. در صورت لزوم، قسمت عملیاتی از بخش تجاری نیز شامل زیر مجموعه‌ای با عنوان تأمین مالی عملیاتی خواهد بود.

قسمت‌بندی و طبقه‌بندی اقلام در صورتحساب سود و زیان جامع و صورت حساب گردش وجوه نقد از طبقه‌بندی مربوط به دارایی‌ها و بدهی‌ها در ترازنامه مشتق خواهد شد.

¹ Cohesive

² Cohesive principle

^۳ که در این بخش خود شامل دو قسمت عملیاتی و سرمایه‌گذاری می‌باشد.

⁴ Multistage Transactions

اصل تفکیک^۱: اصل تفکیک در واقع از طریق الزام برای تقسیم کردن نتایج عملیات و مانده حسابها به بخشهای با اهمیت اعمال می شود. به شکلی که در هر یک از این بخشها اقلام مشابهی درج شده اند. این بخشها ممکن است بر اساس الف) کارکرد^۲، ب) ماهیت^۳ و یا ج) مبنای اندازه گیری به وجود بیایند. اینکه فرآیند تفکیک چه میزان بر محتوای اطلاعاتی داده ها تأثیر گذار می باشد، نقش کلیدی در تعیین میزان تفکیک اطلاعات ایفا می کند [۱۴].

در این دیدگاه، کارکرد اشاره به عملیات اصلی واحد تجاری دارد که می تواند شامل فروش کالاها، ارائه خدمات، تولیدات، تبلیغات، بازاریابی، توسعه و یا اجرا باشد. در حالی که ماهیت اشاره به ویژگی ها و خصوصیات اقتصادی دارد که می تواند بین دارایی ها، بدهی ها و اقلام درآمد و هزینه تمایز ایجاد نماید. و در نهایت مبنای اندازه گیری به روشی اطلاق می شود که از طریق آن دارایی ها و بدهی ها اندازه گیری می شوند که از جمله می توان به روش ارزش منصفانه و یا بهای تمام شده تاریخی اشاره نمود.

از دیدگاه ارتقاء قابلیت مقایسه در راستای مفهوم پیوستگی، می توان اینگونه بیان کرد که در شیوه فعلی ارائه صورتهای مالی اساسی، ارتباط واضح و قابل تشخیصی بین قسمتهای مختلف صورت های مالی (به جز در موارد اندک) وجود ندارد. ضمن اینکه اصولاً بخشهای متناظر قابل تشخیصی بین صورتهای مالی وجود ندارد. این در حالی است که در روش پیشنهادی این پیش نویس، تمام صورتهای مالی به بخشها^۴ و قسمت های^۵ مشابهی تقسیم می شوند به شکلی که هم در صورتحساب وضعیت مالی و هم در صورتحساب سود و زیان و صورت جریان وجوه نقد، بخشهای تجاری و تامین مالی وجود داشته ضمن اینکه قسمت های عملیاتی و سرمایه گذاری نیز به عنوان زیر گروه بخش تجاری ارائه می شود.

¹ Disaggregation Principle

² Function

³ nature

⁴ Sections

⁵ Categories

این امر امکان مقایسه بخش به بخش صورت های مالی را افزایش میدهد. روش جدید بر این دیدگاه مبتنی است که آثار فعالیت های عملیاتی بر تغییرات ارزش شرکت در مقایسه با آثار فعالیت های تامین مالی، با اهمیت تر و تعیین کننده تر خواهد بود. از دیدگاه ارتقاء قابلیت مقایسه صورتهای مالی در راستای مفهوم تفکیک (عناصر حسابداری)، اقلام صورتهای مالی فعلی بر اساس معیار های مختلفی تفکیک، طبقه بندی و گزارش می شوند. در ارائه صورتهای مالی بر اساس استاندارد های حسابداری ایران، اقلام ترازنامه بر اساس آنچه در این پژوهش به عنوان ماهیت به آن اشاره شد، طبقه بندی، تلخیص و گزارش می شوند. به وجود آمدن بخشهای دارایی، بدهی و سرمایه برخاسته از این دیدگاه می باشد.

حال آنکه، در دیدگاه جدید همه اقلام صورت های مالی اساسا بر مبنای "کارکرد" عناصر حسابداری و در سطح بعدی با در نظر گرفتن ماهیت، تفکیک می شوند. بدین معنا که تقسیم بندی اقلام در کلیه صورتهای مالی بر اساس تفکیک اولیه فعالیت های تجاری و تامین مالی می باشد، ضمن اینکه دارایی ها، بدهی ها، هزینه و درآمد با در نظر گرفتن اصل تطابق و مفاهیم جاری و بلند مدت بودن عناصر و در سطح بعدی اعمال می شود.

یکسان سازی مبنای طبقه بندی در صورتهای مالی، گام مهمی در راستای ارتقاء ویژگی های کیفی قابلیت مقایسه و قابل فهم بودن می باشد. در نتیجه، بر اساس این دیدگاه واحد گزارشگر اقلامی را از هم تفکیک می کند که از لحاظ کارکرد، ماهیت و یا مبنای اندازه گیری غیر مشابه و با اهمیت باشند. انگیزه اصلی ایجاد تمایز بین فعالیت های عملیاتی و فعالیت های تأمین مالی ناشی از دیدگاهی است که بیان می کند فعالیت های عملیاتی ایجاد ارزش مازاد می کنند این در حالی است که ارزش فعلی خالص فعالیت های تأمین مالی صفر در نظر گرفته می شود. این مفاهیم بدان معناست که تقسیم بندی و طبقه بندی اقلام صورتهای مالی بر اساس کارکرد و ماهیت، انعکاس صحیح تری از واقعیت موجود در واحد تجاری ارائه خواهد داد. حال آنکه اگر بخش عملیاتی صورتهای مالی عنصر اصلی و تعیین کننده ای در تغییرات ارزش شرکت باشد، انتظار می رود در مقایسه با بخش فعالیت های تأمین مالی،

ارتباط بیشتری با تغییرات قیمت سهام و بازده سهام داشته باشد. پس تفکیک این بخشها در صورت های مالی به صورت "پیوسته"، ارتقاء مربوط بودن صورت های مالی را برای استفاده کنندگان به همراه خواهد داشت.

صورت سود و زیان در برگیرنده کلیه درآمدها و هزینه های شناسایی شده اعم از تحقق یافته و تحقق نیافته است. استفاده کنندگان اطلاعات مالی به کمک صورت سود و زیان می توانند جریانهای نقدی آتی، و در نتیجه بازده سهام شرکت را به روش های گوناگونی پیشگویی کنند. هرچند موفقیت در گذشته لزوماً ضامن موفقیت در آینده نیست، اما روندهای مهم قابل شناسایی هستند و با بازده مورد انتظار سهام شرکت مرتبط هستند. در نتیجه چنانچه بین عملکرد گذشته و آینده، همبستگی معقول وجود داشته باشد، آن گاه جریانهای وجوه نقد و بازده مورد انتظار را با اطمینان نسبی می توان پیشگویی کرد. استفاده کنندگان به کمک صورت سود و زیان، ریسک (سطح عدم اطمینان) تحقق نیافتن جریان های معین از وجوه نقد را محاسبه می کنند.

طبق پیش نویس ارائه شده، فعالیت های عملیاتی شامل ارقام و مبادلاتی هستند که باعث کسب درآمد از طریق فرآیندی میشوند که در آن خالص منابع واحد گزارشگر مورد استفاده قرار گرفته است. این ارقام مرتبط با فعالیت اصلی شرکت بوده و منبع اصلی ایجاد نقدینگی مستمر آتی، به دنبال آن توان بازپرداخت بدهی ها و در نتیجه تولید خالص جریانهای نقدی آتی می شوند؛ از این رو این بخش عامل اصلی ایجاد بازده سهام آتی است.

در نتیجه سود ناشی ارقام عملیاتی و تامین مالی تاثیرات مجزا بر بازده سهام دارند و انتظار می رود اگر بخش عملیاتی عنصر اصلی و تعیین کننده ای در تغییرات ارزش شرکت باشد در مقایسه با بخش فعالیت های تامین مالی، در درجه اول ارتباط بیشتری با تغییرات قیمت سهام و بازده سهام داشته باشند، و در درجه دوم تفکیک سود ناشی از فعالیت های عملیاتی از سود ناشی از فعالیت های تامین مالی باعث ارتقای سود مندی در پیش بینی بازده سهام، سودمندی در ارزیابی رویداد های گذشته و در نهایت ارتباط ارزشی بیشتری در مقایسه با سود تفکیک نشده با بازده سهام داشته باشد.

در چنین حالتی تفکیک اقلام صورتهای مالی به بخشهای تجاری و تأمین مالی بر اساس پیش‌نویس ارائه شده در سال ۲۰۱۰، توجیه منطقی داشته و باعث ارزش افزوده اطلاعاتی در فرآیند گزارشگری مالی خواهد شد.

مجموعه صورتهای مالی طبق پیش‌نویس ارائه شده IASB و FASB در سال ۲۰۱۰، شامل صورت وضعیت مالی، صورت سود و زیان جامع، صورت جریان وجوه نقد و صورت تغییرات سرمایه می‌باشد. این در حالی است که مجموعه صورتهای مالی به شیوه سنتی و طبق استانداردهای حسابداری ایران شامل ترازنامه، صورت سود و زیان، صورت سود و زیان جامع و صورت جریان وجوه نقد است.

در این پیش‌نویس، صورتهای وضعیت مالی و سود و زیان جامع به ترتیب متناظر با ترازنامه و صورت سود و زیان به شیوه سنتی می‌باشند، این در حالی است که دو هیات در سال ۲۰۱۰ تغییرات اساسی را در ارائه صورت سود و زیان جامع و صورت وضعیت مالی پیشنهاد کرده است، که در این بخش به صورت تفصیلی به صورت سود و زیان جامع آن پرداخته می‌شود.

لازم به ذکر است که در صورت جریان وجوه نقد طبق پیش‌نویس IASB و FASB، شکل سه بخشی آن شامل وجوه نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی، سرمایه‌گذاری و تأمین مالی حفظ شده است، در حالی که طبق استاندارد شماره ۲ حسابداری ایران، صورت جریان وجوه نقد شامل ۵ بخش فعالیت‌های عملیاتی، بازده سرمایه‌گذاری‌ها و سود پرداختنی بابت تأمین مالی، مالیات بر درآمد، فعالیت‌های سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های تأمین مالی می‌باشد [۸].

علاوه بر آن در این پیش‌نویس، صورت تغییرات سرمایه به‌طور جداگانه‌ای گزارش می‌شود و دربرگیرنده سود یا زیان ویژه، سایر اقلام سود جامع^۱ (OCI) و دریافت‌ها و پرداخت‌های مرتبط با سهامداران می‌باشد. در حالی که طبق استانداردهای حسابداری ایران، بخشی از تغییرات در حقوق صاحبان سرمایه در قسمت "گردش حساب سود و زیان انباشته" در ذیل صورت سود و زیان انعکاس می‌یابد و سایر تغییرات از جمله گردش حساب اندوخته‌های قانونی، حساب اندوخته اختیاری و سایر حساب‌هایی که طبق

¹ Other Comprehensive Income

استاندارد به حقوق صاحبان سرمایه منظور می‌گردد و در "یادداشت‌های توضیحی" افشا می‌شود [۱۴].

صورت سود و زیان جامع به شیوه سنتی متناظر با صورت سود و زیان جامع پیشنهادی پیش‌نویس نمی‌باشد و شامل سود و یا زیان دوره طبق صورت سود و زیان، سایر درآمدها و هزینه‌های شناسایی شده به تفکیک، شامل درآمدها و هزینه‌های تحقق نیافته ناشی از تغییر در ارزش دارایی‌ها و بدهی‌ها، و سایر درآمدها و هزینه‌هایی که طبق استاندارد مستقیماً به حقوق صاحبان سهام منظور می‌شود می‌باشد و در پایان تعدیلات سنواتی منظور می‌گردد.

صورت سود و زیان جامع طبق پیش‌نویس، در راستای تفکیک اطلاعات و ارقام مندرج در صورت سود و زیان، دارای دو قسمت اصلی "بازرگانی" و "تأمین مالی" می‌باشد و قسمت بازرگانی خود به دو بخش عملیاتی و سرمایه‌گذاری تفکیک می‌گردد. بخش عملیاتی قسمت بازرگانی از فروش خالص آغاز شده و پس از کسر بهای تمام شده کالای فروش رفته، سود ناخالص محاسبه می‌شود. پس از آن هزینه‌های عمومی، اداری و فروش و همچنین سایر درآمدها و هزینه‌های عملیاتی گزارش می‌شوند، این بخش تا این مرحله تقریباً منطبق با قسمت اول صورت سود و زیان به شیوه سنتی می‌باشد. اما بر اساس صورت سود و زیان جامع طبق پیش‌نویس، در این مرحله قبل از محاسبه سود (زیان) عملیاتی اقلامی چون زیان ناشی از کاهش ارزش سرقفلی، و هزینه‌های تأمین مالی فعالیت‌های عملیاتی کسر خواهد شد. بدین معنا که هزینه‌های بخشی از تأمین مالی که ماهیت عملیاتی دارند و همچنین دیگر افزایش و کاهش‌های ناشی از فعالیت‌های عملیاتی سال مالی، در این قسمت منعکس خواهند شد. این در حالی است که در شیوه سنتی چنین تفکیکی اعمال نشده است.

بخش بعدی قسمت بازرگانی صورت سود و زیان جامع، بخش سرمایه‌گذاری می‌باشد که شامل درآمدهای ناشی از سود سهام و بهره، سرمایه‌گذاری در سایر شرکت‌ها، سود تحقق یافته سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار و تغییر در ارزش منصفانه سرمایه‌گذاری در سایر شرکت‌ها می‌باشد. رقم سود (زیان) سرمایه‌گذاری و جزئیات آن به صورت

تفکیکی که در این بخش گزارش می‌شود، در شیوه سنتی صورت سود و زیان به طور کلی منعکس نمی‌شود.

قسمت بعدی صورت سود و زیان جامع طبق پیش‌نویس IASB و FASB، قسمت تأمین مالی است که شامل هزینه‌های بهره و کل هزینه‌های تأمین مالی می‌باشد. پس از این قسمت هزینه‌های مالیاتی کسر شده زیان ناشی از عملیات متوقف شده و آثار مالیاتی مربوط به آن اعمال می‌گردد. تفکیک سود یا زیان ناشی از عملیات در حال تداوم و عملیات متوقف شده در این پیش‌نویس، به طور کلی در صورت سود و زیان به شیوه سنتی گزارش نمی‌شود.

در صورت سود و زیان جامع طبق پیش‌نویس IASB و FASB، پس از رقم سود (زیان) ویژه، سایر اقلام سود جامع (OCI) ارائه می‌گردد که شامل سود تحقق یافته اوراق بهادار آماده برای فروش طی سال، سود تحقق نیافته سرمایه گذاری‌ها در اوراق بهادار، تعدیلات ناشی از تغییر در طبقه‌بندی دارایی‌ها، سود ناشی از قراردادهای آتی طی سال، سود تحقق نیافته قراردادهای آتی مرتبط با فعالیت‌های عملیاتی و نهایتاً تعدیلات تسعیر ارز مرتبط با ارزش سرمایه گذاری‌ها می‌باشد.

در صورت سود و زیان به شیوه سنتی این اقلام گزارش نمی‌شود. این در حالی است که در صورت سود و زیان جامع به شیوه سنتی (طبق استاندارد شماره ۶ حسابداری ایران) تنها اقلامی چون مازاد تحقق نیافته ناشی از تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت و سود و زیان تحقق نیافته سرمایه گذاری‌های بلندمدت به علاوه تعدیلات سنواتی گزارش می‌شود. لازم به ذکر است که اقلام مربوط به "سایر اقلام سود جامع (OCI)" چه در صورت سود و زیان و چه در صورت سود و زیان جامع به شیوه سنتی، به شکل تفکیک شده‌ای بر اساس ماهیت (سرمایه گذاری و عملیاتی)، مانند آنچه که در صورت سود و زیان جامع طبق پیش‌نویس صورت می‌گیرد، ارائه نمی‌شود.

پیشینه پژوهش:

در پژوهش‌های داخلی، هیچ پژوهشی به طور مستقیم به بررسی محتوای اطلاعاتی و یا ارتباط ارزشی اقلام تفکیک شده صورت‌های مالی بر مبنای نوع تفکیک و مبانی نظری

منطبق با پیش نویس ارائه شده توسط هیأت تدوین استانداردهای حسابداری مالی و هیأت تدوین استانداردهای حسابداری بین المللی نپرداخته است. با این حال در این بخش به خلاصه برخی از مطالعاتی پرداخته می شود که مرتبط با محتوای اطلاعاتی و ارتباط ارزشی اقلام تفکیک شده صورت های مالی است.

رضایی و دیگران (۱۳۹۳) در پژوهشی تحت عنوان "مقایسه توانایی سود عملیاتی، جریان وجوه نقد عملیاتی و اجزای اقلام تعهدی در پیش بینی جریانهای نقد عملیاتی آتی شرکتها"، اطلاعات ۹۶ شرکت تولیدی را طی دوره زمانی ۱۳۸۲-۱۳۸۹ مورد بررسی قرار دادند. نتایج این پژوهش نشان داد که سود عملیاتی، جریان وجه نقد عملیاتی و اجزای اقلام تعهدی در پیش بینی جریان وجه نقد عملیاتی آتی موثر می باشند [۴].

شیخ و روز بخش (۱۳۹۰) در پژوهشی تحت عنوان "بررسی ارزش محتوای افزاینده اطلاعاتی اقلام تعهدی ترازنامه، سود عملیاتی، و جریان های نقدی عملیاتی در پیش بینی جریان های نقدی عملیاتی آتی" به بررسی محتوای اطلاعاتی اقلام صورتهای مالی اساسی شامل اقلام تعهدی، سود عملیاتی و جریان های نقدی به تفکیک و ترکیبی پرداختند تا ارزش محتوای افزاینده اطلاعاتی این صورتهای مالی در پیش بینی جریان های نقدی عملیاتی تعیین شود. بر اساس یافته های پژوهش که از بررسی داده های ۸۰ شرکت به عنوان نمونه آماری با استفاده از روش همبستگی مقطعی بدست آمده است، مدل ترکیبی اقلام تعهدی و جریان های نقدی عملیاتی دارای بیشترین محتوای اطلاعاتی جهت پیش بینی می باشد و بعد از آن مدل ترکیبی سود عملیاتی و جریان های نقدی عملیاتی و مدل ترکیبی اقلام تعهدی و سود عملیاتی قرار می گیرند. در ضمن بررسی نتایج مدل های رگرسیون ساده نشان می دهد که اقلام تعهدی برای پیش بینی جریان های نقدی فاقد بار اطلاعاتی هستند و سود عملیاتی نیز از بیشترین محتوای اطلاعاتی برخوردار می باشد [۵].

قدیری مقدم (۱۳۹۰) در پژوهشی تحت عنوان "بررسی پایداری و محتوای اطلاعاتی اجزای نقدی سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، عنوان می کنند که سود حسابداری قابل تقسیم به دو جزء تعهدی و نقدی می باشد که در این پژوهش جزء نقدی سود به سه جزء وجوه نقد نگه داشته شده در شرکت، خالص وجوه

پرداختی به سهامداران، و خالص وجوه پرداختی به بستانکاران تفکیک شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که جزء نقدی نگه داشته شده در شرکت از سایر اجزای نقدی سود با ثبات تر بوده و سود سال آتی را بهتر تبیین می‌کند، اما سهامداران ثبات این جزء را بیشتر از واقع تخمین می‌زنند و ثبات سایر اجزای نقدی سود را نزدیک تر به واقعیت پیش بینی می‌کنند [۷].

نصیر زاده و کریمی پور (۱۳۹۰) در پژوهشی تحت عنوان "بررسی کارایی الگوی ارزشگذاری فلتهم-اولسون در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، در بازه زمانی ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۸ نتیجه گرفتند که این الگو به طور کامل قادر به تعیین ارزش ذاتی شرکت های مورد مطالعه نیست. این در حالی است که برای تعیین ارزش شرکت از متغیرهایی از جمله خالص دارایی های عملیاتی، خالص دارایی های مالی، در آمد عملیاتی و در آمد های عملیاتی غیر عادی استفاده شده است [۹]. خلاصه ای از پیشینه پژوهش های خارجی در ارتباط با موضوع این پژوهش به شرح زیر است:

کلتون و مورتی^۱ (۲۰۱۶) در پژوهشی تحت عنوان "تاثیر فعل و انفعال تفکیک اطلاعات و صورت های مالی بر قضاوت و تصمیمات سرمایه گذاران غیر حرفه ای"، به این نتیجه رسیدند که در برخی از موقعیت ها تفکیک صورت های مالی ممکن است برای سرمایه گذاران مفید نباشد و دلیل این امر این است که میزان درک و شناخت حاصل شده از مجموع اطلاعات موجود در بازار، بیشتر از هرگونه منافع حاصل از فعل و انفعالات تفکیک صورت های مالی است. آنها بیان می‌کنند که نتایج حاصل از این پژوهش کاربردهای بسیار مهمی برای استاندارد گذاران در رابطه با الزامات تفکیک گزارش های مالی و ارتقای سودمندی گزارشگری مالی تحت وب خواهد داشت [۱۵].

چن و دیگران^۲ (۲۰۱۵) در پژوهشی تحت عنوان "معیاری جدید برای اندازه گیری کیفیت افشا: سطح تفکیک داده های حسابداری در گزارش های سالانه" به معرفی معیاری جدیدی تحت عنوان "اعتبار سنجی" برای اندازه گیری کیفیت تفکیک (DQ)^{۱۶}

¹ Kelton & Murthy

² Chen et al.

می پردازند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می دهد که DQ دارای همبستگی مثبتی با صحت پیش بینی تحلیل گران و همچنین رابطه منفی با توزیع و پراکندگی پیش بینی تحلیل گران دارد. به علاوه آنها نتیجه گرفتند که معیار اندازه گیری کیفیت تفکیک رابطه منفی با هزینه سرمایه دارد [۱۱].

لیم (۲۰۱۴)^۱ در پژوهشی تحت عنوان "محتوای اطلاعاتی سود تفکیک شده حسابداری" به این نتیجه رسیده است که از یک سو، سود ناشی از فعالیت های عملیاتی در مقایسه با سود ناشی از فعالیت های تامین مالی، ارتباط بیشتری با تغییرات بازده سالانه سهام برای شرکت های فعال در بورس اوراق بها دار نیویورک^۲ داشته، و از سوی دیگر، بخش پایدار سود عملیاتی در مقایسه با بخش ناپایدار سود عملیاتی، ارتباط بیشتری با تغییرات بازده سالانه سهام دارد [۹]. وی در این تحقیق تفکیک اجزاء صورت های مالی اساسی را بر پایه آنچه در پیش نویس IASB و FASB بیان شده است، پیشنهاد می کند [۱۶].

دینگ دو و دیگران (۲۰۱۱)^۳ در مقاله ای تحت عنوان "شواهدی برای واکنش سهام به اطلاعات در گستره بازار"، عنوان می کنند که واکنش جزئی سهام به اطلاعات رایج غیر مالی منتشر شده در بازار سرمایه، احتمالاً به دلیل ضعف های روش شناسی در تحقیقات قبلی می باشد. با تمرکز بیشتر بر رفتار سهام می توان دریافت که واکنش آن نسبت به اطلاعات افشا شده توسط شرکت، هم از نظر آماری و هم از نظر اقتصادی، با اهمیت می باشد. از این رو محتوای اطلاعاتی گزارش های منتشر شده توسط شرکت ها، تاثیر قابل توجهی بر رفتار ارزش سهام گذاشته، و تفکیک اطلاعات صورت های مالی مورد نظریش نویس IASB و FASB در این راستا تاثیر به سزایی خواهد داشت [۱۶].

اسپلین و دیگران (۲۰۱۰)^۴ در پژوهشی تحت عنوان "تفکیک فعالیت های عملیاتی و تامین مالی در مقایسه با تفکیک اقلام درآمدی غیر عادی و یا متفرقه"، شواهد اندکی را در مورد منافع فزاینده تفکیک سودآوری به فعالیت های عملیاتی و تامین مالی را در

¹ Lim

² NYSE

³ Ding Du et al.

⁴ Esplin et al.

رابطه با پیش بینی سودآوری آینده، یافتند [۱۲]. در مقابل نیسیم و پن من (۲۰۰۳)^۱ در پژوهشی تحت عنوان "تجزیه و تحلیل صورت های مالی بر مبنای اهرم ها و چگونگی محتوای اطلاعاتی آن در زمینه سودآوری و نسبت های قیمت به ارزش دفتری"، گزارش کرده اند که آثار تأمین مالی در سودآوری در آینده به مراتب از استمرار و تداوم کمتری در مقایسه با آثار فعالیت های عملیاتی دارد [۱۷].

گاش و دیگران (۲۰۰۵)^۲ در پژوهشی تحت عنوان "رشد پایدار سود و درآمد، کیفیت سود و ضریب واکنش سود"، بیان می کنند که شرکت هایی که افزایش پایداری هم در سود و هم در درآمد گزارش کرده اند، دارای کیفیت سود بیشتری در مقایسه با شرکت هایی هستند که تنها افزایش پایداری را در سود گزارش کرده اند. بدین معنا که افزایش سودی که پشتوانه فعالیت های عملیاتی دارد، دارای ثبات و کیفیت بالاتری در مقایسه با سودی است که صرفاً از فعالیت های عملیاتی ناشی نشده است [۱۶].

نتایج تحقیقات تجربی در مورد نوسان های قطعی قیمت سهام نیز گوناگون و مختلط بوده است. برای نمونه، کالز و سیگال (۲۰۰۵)^۳ در مقاله ای تحت عنوان "آزمایش تجربی مدل فلتهام-اولسون"، یافته اند که پیش بینی های سالانه قیمت سهام که توسط مدل فلتهام و اولسون (۱۹۹۵)^۴ دقیق تر از مدل تفکیک شده اولسون (۱۹۹۵) نمی باشد و گزارش کرده اند که آنها نتوانستند شواهدی را پیدا کنند که نشان دهد محتوای اطلاعاتی سود تفکیک شده به بخشهای عملیاتی و تأمین مالی بیشتر می باشد [۱۸، ۱۰]. در مقابل نیسیم و پن من (۲۰۰۳) تداوم و استمرار بیشتری را برای سود عملیاتی در زمانی که از نسبت قیمت به ارزش دفتری^۵ به عنوان متغیر وابسته استفاده شود، گزارش کرده اند [۱۷].

پن من و ژنگ (۲۰۰۶)^۶ در پژوهشی تحت عنوان "مدل سازی سود پایدار و نسبت قیمت به سود هر سهم با تجزیه و تحلیل صورت های مالی"، ادعا می کنند که سرمایه گذاران به

¹ Nissim and Penman

² Ghosh et al.

³ Callen and Segal

⁴ Feltham and ohlson

⁵ Price-to-book ratio

⁶ Penman and zhung

مؤلفه‌های پایدار درآمد اهمیت بیشتری می‌دهند زیرا ارزش سهام، بیشتر بر اساس سود عملیاتی مازاد مورد انتظار آینده تعیین می‌شود تا درآمدهای فعلی [۱۹]. باید توجه داشت که در حال حاضر دو روش رایج برای تجزیه سودآوری عملیاتی وجود دارد. اول تجزیه و تحلیل دوپانت^۱ که سودآوری عملیاتی را به دو مؤلفه قابل ضرب حاشیه سود عملیاتی و نسبت گردش خالص دارایی‌های عملیاتی تفکیک می‌کند. دومین روش، تجزیه سودآوری عملیاتی به دو مؤلفه قابل جمع است که بر اساس معادله اهرم بدهی‌های عملیاتی، بازده دارایی‌های عملیاتی و بازده ناشی از اهرم بدهی‌های عملیاتی استخراج می‌شوند.

نیسیم و پن من (۲۰۰۳) همچنین دو معادله اهرمی را از این مفاهیم مشتق کرده‌اند که در رابطه با ارزشیابی شرکت و تحلیل سودآوری، دارای ارزش مربوط می‌باشد [۱۷]. سلیمان (۲۰۰۸)^۲ در تحقیقی تحت عنوان "کاربست تجزیه و تحلیل دوپانت توسط مشارکت کنندگان در بازار"، با استفاده از تجزیه و تحلیل داده‌های مقطعی سالانه، گزارش می‌دهد که تغییرات در نسبت گردش دارایی‌ها در رابطه با توضیح واکنش بازار به اطلاعات حسابداری، در مقایسه با تغییرات در حاشیه سود عملیاتی، با اهمیت تر می‌باشد [۲۰].

روش پژوهش

جامعه آماری این پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۳ می‌باشد. در این پژوهش برای نمونه‌گیری از روش حذف سیستماتیک استفاده شده است و نمونه پژوهش شامل ۱۸۱ شرکت است که دارای این ویژگی‌ها باشند: اول، به منظور افزایش قابلیت مقایسه، سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفند ماه باشد. دوم، داده‌های مالی آنها بین سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۳ به صورت مستمر موجود باشند. سوم، به دلیل تفاوت موجود در فعالیتها، از دسته شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی صرف نظر شده است. چهارم، طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۳

¹ Du pont

² Soliman

تغییر فعالیت یا دوره مالی نداده باشند. پنجم، اطلاعات مورد نیاز جهت استخراج داده ها موجود باشد.

برای گردآوری اطلاعات مالی مورد نیاز برای انجام این پژوهش از نرم افزارهای تدبیرپرداز و ره‌آورد نوین استفاده شده است. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از بسته‌های نرم افزاری Eviews7 و Stata12 و برای محاسبه داده‌ها از نرم افزار صفحه گسترده اکسل ۲۰۱۳ استفاده شده است. همچنین برای تشخیص روش تخمین در این پژوهش از آزمون اف-لیمر و آزمون هاسمن استفاده شده است، و برای آزمون فرضیه‌ها از آزمون LR، آزمون ولدریج^۱، آزمون وونگ^۲ و روش تخمین GLS و استفاده شده است.

فرضیه‌وروش پژوهش:

این پژوهش دارای یک فرضیه به شرح زیر است:
فرضیه: سود تفکیک شده به بخشهای عملیاتی و تأمین مالی دارای محتوای اطلاعاتی بیشتری نسبت به سود تفکیک نشده گزارش شده در دوره جاری می‌باشد.
برای آزمون فرضیه این پژوهش از مدل‌های رگرسیونی بر مبنای رابطه‌های شماره (۱) و (۲) استفاده شده است. این مدل منطبق با مدل بکار گرفته شده توسط لیم (۲۰۱۴) بوده که با استفاده از داده‌های ترکیبی برآورد شده است.
رابطه (۱)

$$R_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 ROCE_{it} + \alpha_2 UEsc_{it} + \varepsilon_{it}$$

متغیرهای رابطه (۱) به شرح زیر تعریف می‌شوند:
 R_{it} : بازده سالانه سهام شرکت i در سال t ؛ که از اختلاف قیمت سهام شرکت در ابتدا و پایان دوره به علاوه سود سهام نقدی طی دوره، تقسیم بر قیمت سهام در ابتدای دوره به دست می‌آید.

¹Wooldridge

² Vuong

$ROCE_{it}$: بازده سرمایه گذاری سهام عادی شرکت i در سال t که از تقسیم سود جامع بر میزان سرمایه سهام عادی حاصل می شود؛
در مدل های رگرسیون شماره (۱) و (۲) از متغیر زیر به عنوان متغیر کنترل استفاده شده است:

$UESc_{it}$: تغییرات سالانه در درآمد کل (درآمد غیر منتظره) شرکت i در سال t ؛ که از اختلاف بین درآمد کل در سال t و درآمد کل در سال $t-1$ برای شرکت i به دست می آید، این رقم از طریق تقسیم بر ارزش بازار سهام موزون سازی شده است. درآمد کل شرکت i طبق صورت سود و زیان شرکت، برابر با مجموع فروش خالص کالاها و خدمات، سایر درآمدهای عملیاتی و سایر درآمدهای غیر عملیاتی می باشد.

ε_{it} : مقادیر باقیمانده.

رابطه (۲)

$$R_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 RNOA_{it} + \alpha_2 RFLEV + \alpha_3 UESc_{it} + \varepsilon_{it}$$

متغیرهای رابطه (۲) به شرح زیر تعریف می شوند:

$RNOA_{it}$: بازده خالص دارایی های عملیاتی شرکت i در سال t می باشد که منعکس کننده سود آوری فعالیت های عملیاتی است، که از تقسیم خالص سود عملیاتی بعد از کسر مالیات (NOPAT) بر خالص دارایی های عملیاتی (NOA) به دست می آید.
خالص دارایی های عملیاتی (NOA) از تفاوت بین دارایی های عملیاتی (OA) و بدهی های عملیاتی (OL) بدست می آید. در این پژوهش دارایی های عملیاتی و بدهی های عملیاتی طبق پیش نویس IASB و FASB تعریف شده و اقلامی هستند که به طور مستقیم در تولید کالا و ارائه خدمات توسط شرکت ها بکار گرفته می شوند.
دارایی های عملیاتی شامل وجوه نقد، حسابها و اسناد دریافتی (خالص از ذخیره مطالبات مشکوک الوصول)، موجودی کالا، پیش پرداخت هزینه های عملیاتی، ارزش دفتری ماشین آلات و تجهیزات کارخانه، سرقتی و سایر دارایی های نامشهود می باشد. بدهی های عملیاتی طبق پیش نویس شامل، پیش دریافت درآمد، حسابها و اسناد پرداختی، حقوق و دستمزد و مزایای پرداختی، بدهی های عملیاتی بلند مدت می باشد.

RFLEV: بازده اهرم مالی شرکت i در سال t می باشد که منعکس کننده سود آوری فعالیتهای تأمین مالی شرکت است. این عبارت از ضرب اهرم مالی شرکت

$$(FLEV = \frac{\text{کل بدهی ها}}{\text{کل دارایی ها}})$$

در شاخص پراکندگی اهرم مالی بدست می آید.

شاخص پراکندگی اهرم مالی از اختلاف RNOA شرکت و خالص نرخ استقراض (NBR) بدست می آید. خالص نرخ استقراض از تقسیم خالص هزینه های مالی بر خالص تعهدات تأمین مالی شرکت حاصل می شود.

برای آزمون فرضیه این پژوهش ابتدا مدل رگرسیون رابطه (۱)، بر مبنای بازده سرمایه گذاری سهام عادی شرکت i در سال t به عنوان متغیر توضیحی، و بازده سالانه سهام شرکت به عنوان متغیر وابسته، تخمین زده می شود. پس از آن، در رابطه (۲)، بازده سرمایه گذاری سهام عادی، با دو مؤلفه خود یعنی بازده خالص دارایی های عملیاتی شرکت i در سال t و بازده اهرم مالی شرکت i در سال t ، جایگزین می شود و این بار این دو مؤلفه به عنوان متغیر توضیحی، و بازده سالانه سهام شرکت به عنوان متغیر وابسته، تخمین زده می شود.

پس از انجام تخمین ها، ضریب تعیین تعدیل شده مدل ها (R^2 تعدیل شده) با یکدیگر مقایسه می شود تا آزمون شود که در شرایط مشابه آیا قدرت توضیح دهندگی مدل با ایجاد تغییرات مبتنی بر تفکیک سود طبق پیش نویس افزایش می یابد یا خیر. در صورت ایجاد تغییر در ضریب تعیین تعدیل شده، از آزمون وونگ جهت بررسی معنادار بودن این تغییر استفاده می گردد. آزمون وونگ جهت بررسی معناداری اختلاف قدرت توضیح دهندگی مدل هایی مورد استفاده قرار می گیرد که دارای متغیر وابسته یکسان و متغیر های مستقل متفاوت هستند.

یافته های پژوهش:

آمار توصیفی متغیر های این پژوهش شامل بازده سرمایه گذاری در سهام عادی، بازده خالص دارایی های عملیاتی، بازده اهرم مالی شرکت، و تغییرات سالانه در درآمد کل، در نگاره شماره ۱ نمایش داده شده است.

نگاره (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	نماد متغیر	کمینه	بیشینه	انحراف معیار	میانه
بازده سرمایه گذاری در سهام عادی	ROCE	-۳/۸۱۷	۹/۱۴۴	۱/۱۸۵	۰/۸۰۹
بازده خالص دارایی های عملیاتی	RNOA	-۲۰۲/۱۱۰	۵۰/۲۰۲	۵/۲۶۴	۰/۲۵۸
بازده اهرم مالی	RFLEV	-۴۹/۶۵۴	۲۰۲/۷۸۰	۵/۳۵۴	۰/۵۰۵
تغییرات سالانه در درآمد کل	UEsc	-۸/۷۸۹	۱۰/۱۸۶	۰/۶۵۴	۰/۱۵۸

آزمون فرضیه:

برای تخمین رابطه رگرسیونی (۱)، ابتدا از آزمون اف-لیمر برای تعیین نوع داده های ترکیبی استفاده شد. بر اساس نتایج آزمون مذکور، آماره اف-لیمر برابر با ۳۰/۸۹ و بر اساس P-Value به دست آمده، احتمال خطا در صورت ترکیبی در نظر گرفتن داده ها نزدیک صفر است ($P\text{-Value}=۰/۰۰۰$). از این آماره استنباط می شود که روش داده های تابلویی (پانل) باید مورد استفاده قرار گیرد.

پس از این مرحله، از آزمون هاسمن برای انتخاب داده های تابلویی با اثرات ثابت و یا اثرات تصادفی استفاده شده است. آماره کای-دو آزمون هاسمن محاسبه شده است و احتمال خطا در صورت ثابت در نظر گرفتن اثرات بیشتر از ۵٪ است ($P\text{-Value}=۰/۱۸۷۱$). لذا از آنجا که این رقم بیشتر از ۵٪ است، از تخمین داده های تابلویی با اثرات تصادفی استفاده شده است.

قبل از آزمون معناداری ضرایب رگرسیون برای آزمون فرضیه های پژوهش، باید از صحت معناداری کل مدل و عدم نقض فرض کلاسیک در مدل رگرسیون، اطمینان حاصل کرد. آماره اف آزمون خودهمبستگی ولدريج برای مدل اول برابر با ۲/۵۶۵ بوده و P-Value این آماره برابر با ۰/۱۳۵۲ می باشد که بالاتر از ۵٪ بوده و نشان از عدم وجود خود همبستگی در بین مقادیر باقیمانده این مدل دارد. برای آزمون ناهمسانی

واریانس ها از آزمون LR استفاده شده است. در این مرحله آماره کای-دو این آزمون برای مدل اول برابر با ۵۰۶/۲۸ بوده و P-Value این آماره برابر با ۰/۰۰۰ می باشد که چون کمتر از ۰.۵٪ است، نشان از وجود ناهمسانی واریانس ها در این مدل می دهد. برای رفع مشکل ناهمسانی واریانس ها در این مدل از تخمین GLS استفاده شده است. نتایج حاصل از تخمین رابطه اول به روش GLS در نگاره ۲ منعکس شده است. در این تخمین، به منظور بررسی معناداری کل مدل از آماره کای-دو والد استفاده شد. با توجه به اینکه احتمال آماره کای-دو والد محاسبه شده برای رابطه (۱)، کمتر از ۰/۰۵ است، نتیجه گرفته می شود که کل مدل اول معنادار است.

نگاره (۲): نتایج حاصل از تخمین مدل اول

نماد متغیر	ضرایب	آماره Z	معناداری
ROCE	۰/۰۹۴۰	۷/۵۴	۰/۰۰۰
UESc	۰/۰۶۰۷	۲/۷۶	۰/۰۰۶
$R^2: ۰/۱۰۵۶$ تعدیل شده: $R^2: ۰/۱۰۳۸$ آماره $\chi^2: ۶۵/۷۱$ معناداری: $۰/۰۰۰$			

برای تخمین رابطه رگرسیونی (۲)، ابتدا از آزمون اف-لیمر برای تعیین نوع داده های ترکیبی استفاده شد. بر اساس نتایج آزمون مذکور، آماره اف-لیمر برابر با ۲۰/۶۶ و بر اساس P-Value به دست آمده، احتمال خطا در صورت ترکیبی در نظر گرفتن داده ها نزدیک صفر است ($P\text{-Value} = ۰/۰۰۰$). از این آماره استنباط می شود که روش داده های تابلویی (پانل) باید مورد استفاده قرار گیرد. پس از این مرحله، از آزمون هاسمن برای انتخاب داده های تابلویی با اثرات ثابت و یا اثرات تصادفی استفاده شد. آماره کای-دو آزمون هاسمن محاسبه شده است و احتمال خطا در صورت ثابت در نظر گرفتن اثرات بیشتر از ۰.۵٪ است ($P\text{-Value} = ۰/۷۲۱۵$)، لذا از تخمین داده های تابلویی با اثرات تصادفی استفاده شده است.

آماره اف آزمون خودهمبستگی ولد ریج برای مدل دوم برابر با ۲/۴۲۸ بوده و P-Value این آماره برابر با ۰/۱۴۵۱ می باشد که بالاتر از ۰.۵٪ بوده و نشان از عدم وجود خود همبستگی در بین مقادیر باقیمانده این مدل دارد. برای آزمون ناهمسانی واریانس ها از

آزمون LR استفاده شده است. در این مرحله آماره کای-دو این آزمون برای مدل دوم برابر با ۵۰۷/۳۱ بوده و P-Value این آماره برابر با ۰/۰۰۰ می باشد که چون کمتر از ۰/۰۵ است نشان از وجود ناهمسانی واریانس ها در این مدل می دهد. برای رفع مشکل ناهمسانی واریانس ها در این مدل از تخمین GLS استفاده شد.

نتایج حاصل از تخمین رابطه دوم به روش GLS در نگاره ۳ منعکس شده است. در این تخمین، به منظور بررسی معناداری کل مدل از آماره کای-دو والد استفاده شد. با توجه به اینکه احتمال آماره کای-دو والد محاسبه شده برای رابطه (۲)، کمتر از ۰/۰۵ است، نتیجه گرفته می شود که کل مدل دوم معنادار است.

برای آزمون فرضیه اول، پس از انجام تخمین ها، ضریب تعیین تعدیل شده مدل ها (R^2 تعدیل شده) با یکدیگر مقایسه گردید تا مشخص شود که در شرایط مشابه آیا قدرت توضیح دهندگی مدل با ایجاد تغییرات مبتنی بر تفکیک سود طبق پیش نویس افزایش می یابد یا خیر. در این حالت برای فرضیه اول تفکیک اقلام سود به مؤلفه های عملیاتی و تامین مالی، ضریب تعیین تعدیل شده را افزایش داده است، در این شرایط از آزمون وونگ جهت بررسی معنادار بودن این تغییر استفاده گردید. نتایج حاصل از آزمون وونگ برای رابطه های (۱) و (۲) در نگاره ۴ ارائه شده است.

نگاره (۳): نتایج حاصل از تخمین مدل دوم

نماد متغیر	ضرایب	آماره Z	معناداری
RNOA	۰/۰۹۸۲	۷/۷۳	۰/۰۰۰
RFLEV	۰/۰۹۳۴	۷/۵۰	۰/۰۰۰
UEsc	۰/۰۶۰۰	۲/۷۳	۰/۰۰۶
R^2 : ۰/۱۱۷۳ R^2 تعدیل شده: ۰/۱۱۵۵ آماره Chi2: ۶۸/۵۳ معناداری: ۰/۰۰۰			

نگاره (۴): نتایج آزمون وونگ فرضیه پژوهش

معناداری	آماره Z وونگ	آزمون حداکثر راستنمایی وونگ برای مدل های غیر آشیانه ای
P-Value=	۲/۵۰۳۶	V12
R^2 تعدیل شده مدل (۱):		R^2 تعدیل شده مدل (۲): ۰/۱۱۵۵
۰/۱۰۳۸		

با توجه به احتمال آماره Z وونگ، فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود تفاوت معنادار آماری بین قدرت توضیح دهندگی و ضرایب تعیین دو مدل رگرسیون در سطح اطمینان ۹۵٪ رد می شود. بنابر این بین ارتباط ارزشی نسبی مجموع متغیر های رابطه (۱) و مجموع متغیر های رابطه (۲) تفاوت وجود داشته، فرضیه این پژوهش رد نمی شود.

نتیجه گیری و پیشنهاد ها:

در این پژوهش به بررسی محتوای اطلاعاتی سود تفکیک شده بر اساس ساختار جدید صورتهای مالی ارائه شده توسط IASB و FASB، در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختیم. نتایج آزمون فرضیه ها نشان داد که سود تفکیک شده به طور معناداری دارای ارتباط ارزشی بیشتری با بازده سهام، در مقایسه با سود تفکیک نشده دارد. نتیجه آزمون فرضیه های این پژوهش در بورس اوراق بهادار تهران، مشابه نتایج پژوهش لیم (۲۰۱۴) در بورس اوراق بهادار نیویورک است [۱۶].

سال های زیادی است که در حوزه های پژوهشی و حرفه ای کشورهای مختلف، بحث های زیادی درباره کارایی و اثربخشی و محتوای اطلاعاتی شکل سنتی صورتهای مالی در جریان است. سوال اصلی در این رابطه این است که آیا شکل و محتوای اطلاعات مندرج در صورتهای مالی فعلی، پاسخگوی نیازهای اطلاعاتی در سطح گزارشگری مالی است یا خیر. تغییرات موردی و تجدیدنظر در استانداردهای حسابداری و گزارشگری مالی در کشورهای مختلف در راستای حل مشکلات موجود و ارتقای محتوای اطلاعاتی اقلام مندرج در صورتهای مالی، معمولاً امری رایج است. با این حال، ارائه الگویی که ساختار کلی و شکل صورتهای مالی را در این راستا تغییر

میدهد کمتر رخ داده است. الگوی ارائه شده پیش نویس IASB و FASB در سال ۲۰۱۰ در این راستا یکی از مهمترین و کامل ترین این موارد در دهه های اخیر است. با توجه به نتایج حاصل شده در این پژوهش، پیشنهاد می شود که گزینه ها و آثار تغییر در شکل و محتوای صورت های مالی به صورت پژوهش های دانشگاهی در بخش های مختلف اقلام مندرج صورت های مالی مورد بررسی قرار گیرد. علاوه بر آن پیشنهاد می شود که نتایج این پژوهش و دیگر تحقیقات مرتبط با این موضوع، مورد توجه ارگان های استاندارد گذار بخش های مختلف در کشور قرار گیرد، تا بتوان همراه با تغییرات به روز هیات های استاندارد گذاری کشور های پیشرو در این رابطه همگام بود. البته باید توجه داشت که اعمال چنین تغییرات بنیادی احتیاج به صرف منابع مالی عمده و زمان بسیار دارد و واکنش بازار سرمایه و حرفه حسابداری و حسابرسی در کشور در این بین از اهمیت زیادی برخوردار است.

فهرست منابع

- ۱- ایزدی نیا، ناصرودری سده، مصطفی. (۱۳۸۹). "محتوای اطلاعاتی جزء غیر عملیاتی سود حسابداری در رابطه با پیش بینی سود و ارزش گذاری حقوق صاحبان سهام". **پژوهش های حسابداری مالی**، شماره ۳، صص ۱۷-۳۲.
- ۲- بولو، قاسم و باباجانی، جعفر و ابراهیمی میمند، مهدی. (۱۳۹۱). "ملاحظه محتوای اطلاعاتی اجزای سود توسط مدیران و سرمایه گذاران در پشی بینی سود". **پژوهش های حسابداری مالی**، شماره ۱۱، صص ۴۷-۶۶.
- ۳- بهرامفر، نقی و شمس عالم، سید حسام. (۱۳۸۳). بررسی تاثیر متغیر های حسابداری بر بازده غیر عادی آتی سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. **حسابداری و حسابرسی**. شماره ۳۷، صص ۲۳-۵۰.

۴- رضایی، فرزین و افشار، مصطفی و کوه بر، فرشید. (۱۳۹۳). مقایسه توانایی سود عملیاتی، جریان وجوه نقد عملیاتی و اجزای اقلام تعهدی در پیش بینی جریانهای نقد عملیاتی آتی شرکت ها. **مطالعات حسابداری و حسابرسی**. شماره ۱۰، صص ۵۰-۶۸.

۵- شیخ، محمد جواد و روز بخش، نجمه. (۱۳۹۰). بررسی ارزش محتوای افزاینده اطلاعاتی اقلام تعهدی ترانزنامه، سود عملیاتی، و جریان های نقدی عملیاتی در پیش بینی جریان های نقدی عملیاتی آتی. **تحقیقات حسابداری و حسابرسی**. شماره ۱۱، صص ۸۰-۱۰۱.

۶- عربصالحی، مهدی و سعیدی، علی و عابدی اونجی، علی اکبر. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین خالص دارایی های عملیاتی و بازده سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. **پیشرفت های حسابداری دانشگاه شیراز**. شماره ۶۱، صص ۸۹-۱۱۲.

۷- قدیری مقدم، ابوالفضل. (۱۳۹۰). "بررسی پایداری و محتوای اطلاعاتی اجزای نقدی سود در شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران". **تحقیقات حسابداری و حسابرسی**، شماره ۱۰، صص ۱۷-۳۱.

۸- کمیته تدوین استاندارد های حسابداری سازمان حسابرسی. (۱۳۹۱). **استانداردهای حسابداری**، تهران، انتشارات مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی سازمان حسابرسی.

۹- نصیر زاده، فرزانه و کریمی پور، فرهاد. (۱۳۹۰). بررسی کارایی الگوی ارزشگذاری فلتهم-اولسون در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. **دانش حسابداری**. شماره ۷، صص ۱۴۱-۱۶۰.

10-Callen J, Segal D .(2005). "Empirical tests of the Feltham- Ohlson (1995) model". **Review of Accounting Studies**, (10), pp 409–429.

11-Chen, S., Miao, B. and Shevlin, T. (2015), A New Measure of Disclosure Quality: The Level of Disaggregation of Accounting Data in Annual Reports. *Journal of Accounting Research*, 53, pp 1017–1054.

12-Esplin A, Hewitt M, Plumlee M, Yohn T. (2010). "Disaggregating operating and financing activities versus disaggregating unusual and/or infrequent income items: implications for forecasts of future profitability". **Working Paper, Indiana University**.

13-Feltham G, Ohlson J. (1995). "Valuation and clean surplus accounting for operating and financial activities". **Contemporary Accounting Research**, 11(2), pp 689–731.

14-Financial Accounting Standard Board. (2010). "STAFF DRAFT of an exposure draft on financial statement presentation". **FASB**, Norwalk, CT.

15-Kelton A, Murthy U. (2016). "The Effects of Information Disaggregation and Financial Statement Interactivity on Judgments and Decisions of Nonprofessional Investors". **Journal of Information Systems**, 30(3), pp. 99-118.

16-Lim C, Steve. (2014). "The information content of disaggregated accounting profitability: operating activities versus financing activities". **Review of Quantitative Financial Accounting**, (43), pp 75-96.

17-Nissim D, Penman S. (2003). "Financial statement analysis of leverage and how it informs about profitability and price-to-book ratios". **Review of Accounting Studies**, (8), pp 531-560.

18-Ohlson J, Penman S. (1992). "Disaggregated accounting data as explanatory variables for returns". **Journal of Accounting, Auditing & Finance**. (7). pp 553-573.

19-Penman S, Zhang X. (2006). "Modeling sustainable earnings and P/E ratios with financial statement analysis". **Working Paper. Columbia University and University of California**, Berkeley.

20-Soliman M. (2008). "The use of DuPont analysis by market participants". **Accounting Review**, 83(3), pp 823-853.

Archive of SID

The Study of Value Relevance of Disaggregated Profitability Based on the New Framework of Financial Statements proposed by IASB & FASB, for Tehran Stock Exchange Companies.

Abstract:

The purpose of this research is to study the effect of disaggregating the firm profitability on the information content of earning elements of financial statements. This study is a descriptive and analytical research and falls into the correlation-analytical regression research category.

In this paper, the staff draft of IASB & FASB (2010) regarding to changing the framework of financial statements, is used for profitability disaggregation into two elements of operating activities profitability and financing activities profitability. For this purpose, first we introduce the statement of comprehensive income proposed by IASB & FASB staff draft and compare its elements with the traditional statement of comprehensive income and income statement.

For performing this research, information of 181 firms from Tehran stock exchange has been accumulated and consolidated in the period 2002 to 2014. Also, for testing the hypothesis, we used the regression model analysis for pooled data in Eviews7 and Stata12 statistical soft wares.

The results show that disaggregated profitability into operating and financing segments has meaningfully higher value relevance with stock return in compare with aggregated year end profit.

Keywords: Disaggregated accounting profitability, Operating activities, Financing activities, Restructured Financial Statements.